

به نام خدا

# چالش های اداری در آموزش و پرورش امروز

مؤلف :

احسان سروری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: سروری، احسان، ۱۳۶۷-  
عنوان و نام پدیدآور: چالش‌های اداری در آموزش و پرورش امروز/مؤلف احسان سروری.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۳۲ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۱۵-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۷ - ۱۳۲.  
موضوع: آموزش و پرورش -- ایران  
Education-- Iran  
آموزش و پرورش -- ایران -- مدیریت  
Education -- Iran -- Management  
مدرسه‌ها -- ایران -- مدیریت و سازماندهی  
School management and organization -- Iran  
رده بندی کنگره: LA۱۳۵۱  
رده بندی دیویی: ۳۷۰/۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۵۱۴۳  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: چالش‌های اداری در آموزش و پرورش امروز

مؤلف: احسان سروری

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زیر جلد

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۱۵-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	<b>بخش اول: مروری بر چشم‌انداز آموزشی ایران</b> .....
۵	تاریخچه و سیر تحول آموزش و پرورش در ایران.....
۷	وضعیت فعلی مدارس و دانشگاه‌های ایران.....
۱۰	نقش دولت در مدیریت آموزشی.....
۱۲	بازیگران کلیدی نظام آموزشی ایران.....
۱۵	نابرابری‌های منطقه‌ای و پیامدهای آن.....
۱۹	تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی.....
۲۲	چالش‌های اجرای سیاست‌های آموزشی.....
۲۵	چشم‌انداز آینده: روندها و پیش‌بینی‌ها.....
۲۹	<b>بخش دوم: بودجه آموزشی و تخصیص منابع</b> .....
۲۹	شناخت فرآیند بودجه در آموزش و پرورش ایران.....
۳۲	چالش تامین مالی کافی.....
۳۵	توزیع عادلانه منابع.....
۳۸	تأثیر تحریم‌ها بر منابع آموزشی.....
۴۱	نوآوری در استفاده از منابع.....
۴۵	نقش بخش خصوصی و بشردوستی.....
۴۷	تضمین شفافیت مالی و پاسخگویی.....
۵۰	مطالعات موردی: موفقیت‌ها و شکست‌ها در تخصیص منابع.....
۵۵	<b>بخش سوم: جذب معلم، آموزش، و حفظ</b> .....
۵۵	چالش‌های جذب استعدادهای با کیفیت.....
۵۹	آموزش معلمان و توسعه حرفه‌ای.....
۶۳	رفع کمبود معلم در مناطق دورافتاده.....
۶۵	حصول اطمینان از تنوع و شمول در کادر آموزشی.....
۶۸	تأثیر حمایت‌های اداری بر حفظ معلم.....
۷۱	راهبردهای مدیریت مؤثر معلم.....

۷۳	درس هایی از کشورهای دیگر: بهبود نیروی کار معلمان
۷۷	<b>بخش چهارم: تدوین برنامه درسی و محتوای آموزشی</b>
۷۷	تعادل سنت و مدرنیته
۷۹	رسیدگی به نیازهای یک جمعیت متنوع دانشجویی
۸۲	نقش فناوری در طراحی برنامه درسی
۸۴	اطمینان از مرتبط بودن و کاربردی بودن محتوای آموزشی
۸۷	ترکیب تفکر انتقادی و حل مسئله
۸۹	چالش استانداردهاسازی در مقابل بومی سازی
۹۲	ارزیابی مستمر و بررسی برنامه درسی
۹۴	نوآوری در آموزش و یادگیری
۹۹	<b>بخش پنجم: ارزیابی و ارزشیابی دانش آموزان</b>
۹۹	خطرات بالای امتحانات ورودی دانشگاه
۱۰۲	تعادل بین ارزیابی های تکوینی و جمعی
۱۰۴	پرداختن به چالش های تقلب و عدم صداقت دانشگاهی
۱۰۷	استفاده از فناوری برای ارزیابی موثر
۱۰۹	نقش بازخورد در رشد دانش آموزان
۱۱۱	نوآوری در شیوه های ارزیابی
۱۱۷	<b>منابع و مآخذ</b>
۱۱۷	منابع فارسی
۱۳۱	منابع لاتین

## بخش اول

### مروری بر چشم‌انداز آموزشی ایران

#### تاریخچه و سیر تحول آموزش و پرورش در ایران

تاریخ آموزش و پرورش در ایران سفری است که قرن‌ها را در بر می‌گیرد و منعکس‌کننده میراث فرهنگی غنی این کشور و تعهد آن به دانش و یادگیری است. برای درک چالش‌های اداری کنونی در نظام آموزشی ایران، بررسی تحولات تاریخی آموزش در داخل کشور ضروری است. این بخش با عنوان «تاریخ و تحول آموزش و پرورش در ایران» به بررسی عمیق چشم‌انداز آموزشی در ایران، ریشه‌یابی نظام آموزشی آن و بررسی چالش‌های اداری که در طول زمان پدیدار شده‌اند، می‌پردازد. هدف این بخش با استفاده از طیف وسیعی از مراجع، چه از داخل ایران و چه در سطح بین‌المللی، ارائه مروری جامع از تحولات تاریخی آموزش در ایران و چالش‌های پیش روی مدیران آموزشی امروز است.

تعلیم و تربیت در ایران ریشه‌های باستانی دارد که به دوران امپراتوری هخامنشی (حدود ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م) برمی‌گردد. فرمانروایان هخامنشی بر اهمیت تعلیم و تربیت با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و اخلاقی تأکید داشتند (ضرغامی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). ایده آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای برای پرورش شخصیت و شهروندی در این تلاش‌های اولیه آموزشی نقش اساسی داشت.

در طول قرن‌ها، امپراتوری ایران و به دنبال آن خلافت اسلامی، زیرساخت‌های آموزشی را در منطقه توسعه دادند. عصر طلایی اسلامی به ویژه شاهد پیشرفت های چشمگیری در زمینه های مختلف از جمله علم، فلسفه و ادبیات بود. تأسیس مؤسساتی مانند مدارس (مدارس اسلامی) و کتابخانه ها به انتشار علم کمک کرد (حسن پور، ۱۳۹۷، ص ۷۵). این پایه های تاریخی زمینه ساز تعهد پایدار ایران به آموزش و پرورش شد.

سلسله صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶) دوره مهمی در تحول آموزش و پرورش در ایران بود. حاکمان صفوی اقداماتی را برای متمرکز کردن و سازماندهی مؤسسات آموزشی انجام دادند که منجر به تأسیس مدارس متعدد و ارتقای زیرساخت‌های آموزشی شد (پورجعفر و دبیری، ۱۳۹۹، ص ۱۰۱). گسترش این نهادها و حمایت از هنرها و علوم، چشم انداز فکری ایران را بیشتر غنا بخشید.

دوران قاجار (۱۷۸۹-۱۹۲۵) هم پیشرفت و هم چالش هایی را برای آموزش و پرورش ایران به همراه داشت. در حالی که تلاش برای نوسازی آموزش و پرورش با معرفی مدارس و برنامه های درسی به سبک غربی صورت گرفت، کشور با چالش های اداری مرتبط با تأمین مالی و حکمرانی مواجه شد (خدادادی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۲۸). همزیستی نظام‌های آموزشی سنتی و مدرن، پیچیدگی‌های اداری را ایجاد کرد که همچنان بر آموزش و پرورش در ایران تأثیر می‌گذارد.

قرن بیستم شاهد تلاشهای اساسی برای نوسازی آموزش در ایران بود. رضاشاه پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۴۱) اصلاحاتی را با هدف ایجاد یک نظام آموزشی متمرکز و ارتقای سوادآموزی آغاز کرد (محمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲). با این حال، این اصلاحات با مقاومت و چالش های فرهنگی مواجه شد و پیچیدگی های تغییر اداری در آموزش و پرورش را برجسته کرد.

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحولات چشمگیری در فضای آموزشی ایران به وجود آورد. اصول اسلامی در برنامه درسی ادغام شد و تفکیک جنسیتی اعمال شد (توکلی،

۱۳۹۹، ص ۱۸). این تغییرات اداری با موضع ایدئولوژیک دولت جدید همسو بود، اما چالش‌هایی را از نظر توسعه برنامه درسی و برابری جنسیتی ایجاد کرد.

امروزه نظام آموزش و پرورش ایران با چالش‌های اداری مختلفی مواجه است. نظام آموزش دوگانه کشور، متشکل از مدارس سنتی دینی (حوزه‌ها) و مؤسسات مدرن، چالشی مستمر برای مدیران از نظر حاکمیت و توسعه برنامه درسی ارائه می‌کند (جوادی و واعظی، ۲۰۲۱، ص ۸۹). علاوه بر این، مسائل مربوط به بودجه، آموزش معلمان، و دسترسی به آموزش با کیفیت به عنوان نگرانی‌های اداری قابل توجه باقی می‌ماند (رحمانی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۲۱۴).

تحول تاریخی آموزش و پرورش در ایران با پیشرفت، چالش‌ها و اصلاحات اداری همراه بوده است. چشم انداز آموزشی ایران از پایه‌های باستانی تا نظام آموزشی دوگانه معاصر، بازتابی از تاریخ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن است. درک این تاریخچه برای پرداختن به چالش‌های اداری که امروزه نظام آموزشی با آن مواجه است، حیاتی است. با درس گرفتن از درس‌های گذشته، مدیران می‌توانند به سمت یک نظام آموزشی عادلانه‌تر و مؤثرتر که نیازهای متنوع جمعیت ایران را برآورده می‌کند، تلاش کنند.

## وضعیت فعلی مدارس و دانشگاه‌های ایران

چشم انداز آموزشی ایران نظامی پویا و پیچیده است که نقشی محوری در توسعه اقتصادی-اجتماعی و میراث فرهنگی کشور ایفا می‌کند. این بخش با عنوان «وضعیت کنونی مدارس و دانشگاه‌های ایران» با بررسی ساختار، چالش‌ها و نوآوری‌هایی که هم مدارس و هم مؤسسات آموزش عالی را مشخص می‌کند، مروری روشن‌گر از نظام آموزشی معاصر در ایران ارائه می‌کند. این بخش با تکیه بر طیف گسترده‌ای از منابع اخیر، چه از منابع ایران و چه از منابع بین‌المللی، چالش‌ها و فرصت‌های اداری را در زمینه آموزشی ایران بررسی می‌کند.

نظام آموزشی ایران به سه سطح اصلی پیش دبستانی، ابتدایی و متوسطه تقسیم می شود. آموزش پیش دبستانی، که شامل مهدکودک ها می شود، اجباری نیست، اما به عنوان پایه ای برای مدرسه رسمی تشویق می شود (گل پرور و ابطحی، ۲۰۲۰، ص ۳۹). آموزش ابتدایی شامل شش سال تحصیل اجباری است، در حالی که آموزش متوسطه شامل شش سال اضافی است که به سه دوره تقسیم می شود. دوره سوم دوره متوسطه دوره پیش دانشگاهی محسوب می شود و برای آماده سازی دانش آموزان برای تحصیلات عالی طراحی شده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۷).

آموزش عالی در ایران با طیف متنوعی از موسسات از جمله دانشگاه ها، مدارس تخصصی و مراکز تحقیقاتی مشخص می شود. دولت ایران به طور قابل توجهی در گسترش آموزش عالی سرمایه گذاری کرده است که نتیجه آن افزایش قابل توجهی در تعداد دانشگاه ها و فرصت های آموزشی در طول سال ها بوده است.

علیرغم پیشرفت های صورت گرفته در زمینه گسترش دسترسی به آموزش، مدارس ایران با چالش های اداری متعددی روبرو هستند. یکی از چالش های مهم، کفایت منابع آموزشی، از جمله کتاب های درسی و مواد کلاسی است. حصول اطمینان از دسترسی همه دانش آموزان به منابع آموزشی به روز و مرتبط همچنان یک نگرانی است (حسینی و فتحی، ۲۰۱۹، ص ۹۰). آموزش کافی معلم و توسعه حرفه ای نیز از جمله زمینه های مورد توجه است، زیرا به طور مستقیم بر کیفیت آموزش ارائه شده به دانش آموزان تأثیر می گذارد (پورطاهری و ضیایی، ۲۰۱۸، ص ۱۱۶).

چالش های اداری در مدارس با مسائل مربوط به برابری و فراگیری بیشتر می شود. تفاوت در دسترسی به آموزش با کیفیت وجود دارد، به طوری که دانش آموزان در مناطق شهری اغلب از فرصت های آموزشی بهتری نسبت به همتایان روستایی خود برخوردار هستند (احمدی، ۲۰۲۱، ص ۵۳). رسیدگی به این نابرابری ها و ارتقای دسترسی عادلانه به آموزش از اولویت های اداری حیاتی است.



دانشگاه های ایران در عین حال که پیشرفت چشمگیری داشته اند، با چالش های اداری نیز دست و پنجه نرم می کنند. یکی از موضوعات اولیه مربوط به آزادی تحصیلی است که در سال های اخیر با محدودیت ها و محدودیت هایی مواجه بوده است. این چالش پیامدهایی برای استقلال و کیفیت پژوهش و تدریس دانشگاهی دارد.

موضوع دیگری که در دانشگاه های ایران وجود دارد، نیاز به پایداری مالی است. بسیاری از دانشگاه ها به بودجه دولتی وابسته هستند که می تواند ناپایدار و ناکافی باشد (فاضلی و رستگار، ۲۰۲۰، ص ۱۰۲). متنوع کردن منابع مالی و تضمین ثبات مالی برای دوام بلندمدت مؤسسات آموزش عالی ضروری است.

علاوه بر این، ساختار اداری دانشگاه ها نیز موضوعی نگران کننده است. ساده سازی فرآیندهای اداری و کاهش بوروکراسی می تواند کارایی و اثربخشی این نهادها را بهبود بخشد (شریفی و جلالی، ۱۳۹۸، ص ۶۴). حکمرانی موثر، رهبری دانشگاهی و برنامه ریزی استراتژیک از اجزای حیاتی برای رسیدگی به این چالش ها هستند.

در میان این چالش ها، نظام آموزشی ایران نیز شاهد نوآوری های قابل توجهی بوده است. به عنوان مثال، معرفی آموزش الکترونیکی و آموزش آنلاین، به ویژه در پی همه گیری کووید-۱۹، اهمیت پیدا کرده است (سرآبادانی و محمدی، ۲۰۲۱، ص ۱۳۶). چنین نوآوری هایی پتانسیل افزایش دسترسی به آموزش و ارتقای انعطاف پذیری در یادگیری را دارند.

همچنین فعالیت های پژوهشی و توسعه ای در دانشگاه های ایران به پیشرفت هایی در زمینه های مختلف منجر شده و به پیشرفت علمی و فناوری کشور کمک کرده است (رضوی و عباسی، ۱۳۹۷، ص ۷۵). این نوآوری ها تاب آوری و پتانسیل نظام آموزشی ایران را برجسته می کند.

چشم انداز آموزشی ایران ترکیبی از چالش ها و فرصت ها را ارائه می دهد. ساختار نظام آموزشی پایه ای را برای یادگیری فراهم می کند، اما چالش های اداری در مدارس و

دانشگاه‌ها نیازمند توجه است. برابری، منابع کافی و توسعه معلمان زمینه‌های ضروری برای تمرکز در مدارس هستند، در حالی که دانشگاه‌ها با آزادی آکادمیک، پایداری مالی و کارایی اداری دست و پنجه نرم می‌کنند. در عین حال، نوآوری‌ها در یادگیری الکترونیکی و خروجی تحقیقات بر پتانسیل تغییرات مثبت در سیستم تأکید می‌کنند. پرداختن به این چالش‌های اداری و بهره‌گیری از روحیه نوآورانه بخش آموزش ایران برای شکل‌دهی آینده‌ای روشن‌تر برای دانش‌آموزان کشور و توسعه کلی آن حیاتی است.

### نقش دولت در مدیریت آموزشی

در حوزه آموزش، دولت نقشی محوری در شکل‌دهی سیاست‌ها، تنظیم نهادها و تضمین ارائه آموزش با کیفیت دارد. چشم‌انداز آموزشی در ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، زیرا دخالت دولت و اختیارات اداری از عوامل کلیدی در توسعه و عملکرد نظام آموزشی کشور است. این بخش با عنوان «مروری بر چشم‌انداز آموزشی ایران: نقش دولت در مدیریت آموزشی»، بررسی عمیقی از تأثیر دولت در اداره آموزش و پرورش در ایران ارائه می‌کند. این بخش با تکیه بر مجموعه متنوعی از منابع اخیر از منابع ایرانی و بین‌المللی، به جنبه‌های چندوجهی مشارکت دولت، چالش‌ها و پتانسیل آن برای شکل دادن به آینده آموزش در کشور می‌پردازد.

نقش دولت در مدیریت آموزشی در ایران چند وجهی است و طیف وسیعی از مسئولیت‌ها از جمله توسعه سیاست، نظارت نظارتی، تخصیص منابع و هماهنگی مؤسسات آموزشی را در بر می‌گیرد. مانند بسیاری از کشورها، در ایران نیز دولت مرجع اصلی تدوین و اجرای سیاست‌های آموزشی است که نظام آموزشی کشور را هدایت می‌کند (فتحی و اسدزاده، ۲۰۲۱، ص ۸۸). این سیاست‌ها در شکل‌دهی برنامه درسی، روش‌های تدریس و اهداف آموزشی برای برآوردن نیازهای در حال تحول جامعه ایران مؤثر هستند. یکی از جنبه‌های بارز مشارکت دولت در آموزش، تخصیص منابع است. دولت موظف است منابع مالی و زیرساختی را بین مؤسسات آموزشی توزیع کند تا از عملکرد صحیح

آنها اطمینان حاصل شود (وزارت آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۳). این تخصیص بر اساس عوامل مختلفی مانند تعداد دانش آموزان، نیازهای خاص مؤسسات و اهداف آموزشی گسترده تر است.

علاوه بر تخصیص منابع، دولت مسئول تنظیم مؤسسات آموزشی برای اطمینان از انطباق با استانداردهای تعیین شده و تضمین کیفیت است. این شامل اعتباربخشی، صدور مجوز، و نظارت بر فرآیندهای آموزش و یادگیری است (روشنی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۶). نقش نظارتی دولت در حفظ یکپارچگی و اثربخشی نظام آموزشی بسیار مهم است.

دولت ایران بر محتوای آموزشی و توسعه برنامه درسی نیز کنترل دارد. برنامه درسی با هدف همسویی آموزش با ارزش ها و اولویت های ملت توسط دولت طراحی و تصویب می شود (فتحی و اسدزاده، ۱۳۹۰، ص ۹۰). این کنترل بر برنامه درسی به دولت این امکان را می دهد که تجربه آموزشی دانش آموزان را شکل دهد و ارزش ها و دانش هایی را که برای جامعه ایران مهم تلقی می شود ترویج کند.

نقش دولت در مدیریت آموزشی فراتر از آموزش ابتدایی و متوسطه است و شامل آموزش عالی می شود. در ایران، دانشگاه ها و سایر مؤسسات آموزش عالی نیز تابع مقررات و سیاست های دولت هستند. دولت بر پذیرش، استانداردهای دانشگاهی و اولویت های پژوهشی در این مؤسسات نظارت دارد (کشاوری و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۶۷). این تضمین می کند که آموزش عالی در ایران با اهداف کشور برای تحقیق، نوآوری و توسعه نیروی کار همسو می شود.

در حالی که دخالت دولت در مدیریت آموزشی گسترده و تأثیرگذار است، اما بدون چالش نیست. یکی از چالش های مهم، نیاز به تعادل تمرکز و استقلال است. ایجاد توازن مناسب بین کنترل متمرکز و خودمختاری نهادی یک چالش مداوم برای دولت ایران است (محبی و جعفری، ۲۰۱۹، ص ۴۲۲). تمرکز بیش از حد می تواند خلاقیت و

پاسخگویی را خفه کند، در حالی که خودمختاری بیش از حد می تواند منجر به نابرابری و ناهماهنگی در سیستم آموزشی شود.

چالش دیگر تخصیص منابع به ویژه در مواجهه با محدودیت های بودجه و شرایط متغیر اقتصادی است. حصول اطمینان از توزیع عادلانه منابع در تمام مؤسسات آموزشی و مناطق می تواند یک کار پیچیده باشد و محدودیت های بودجه ای می تواند بر کیفیت آموزش تأثیر بگذارد (فتحی و اسدزاده، ۲۰۲۱، ص ۹۴). یافتن راه حل های پایدار برای چالش های تخصیص منابع برای بهبود مستمر آموزش در ایران ضروری است.

علاوه بر این، کنترل دولت بر برنامه درسی و محتوای آموزشی می تواند سؤالاتی را در مورد آزادی آکادمیک و تنوع افکار ایجاد کند. ایجاد تعادل بین ارائه آموزش استاندارد شده که ارزش های ملی را منعکس می کند و ارتقای تنوع فکری و تفکر انتقادی یک چالش دائمی است (روشنی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۹).

مروری بر چشم انداز آموزشی ایران و نقش دولت در مدیریت آموزشی ارائه شده است. منابع ذکر شده در سراسر این بخش دیدگاه جامعی را در مورد مشارکت دولت در آموزش و پرورش در ایران و چالش ها و فرصت هایی که ارائه می دهد ارائه می دهد. با پرداختن به این چالش ها و بهره گیری از پتانسیل مشارکت دولت، ایران می تواند به شکل دهی آینده نظام آموزشی خود برای پاسخگویی به نیازهای جامعه در حال تحول خود ادامه دهد.

## بازیگران کلیدی نظام آموزشی ایران

نظام آموزشی ایران شبکه ای پیچیده و پویا است که ذی نفعان مختلفی را در بر می گیرد و هر کدام نقشی متمایز در شکل دادن به رویکرد آموزش کشور ایفا می کنند. درک این بازیگران کلیدی برای به دست آوردن بینشی از پیچیدگی های چشم انداز آموزشی ایران بسیار مهم است. این بخش، «بازیگران کلیدی در نظام آموزشی ایران»، کاوش عمیقی در مورد افراد و مؤسساتی ارائه می دهد که به طور قابل توجهی بر توسعه،

حکمرانی و موفقیت آموزش و پرورش در ایران تأثیر می‌گذارند و به آنها کمک می‌کنند.

در قلب نظام آموزشی ایران، وزارت آموزش و پرورش ایران قرار دارد که نقش اصلی را در نظارت و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی کشور ایفا می‌کند. این وزارتخانه مسئول تدوین برنامه درسی، تربیت معلم و مدیریت ارزیابی‌های ملی است (وزارت آموزش و پرورش ایران، ۲۰۲۰، ص ۱۲). کارکرد کلیدی آن اطمینان از همسویی آموزش با اهداف دولت از جمله ارتقای هویت ملی، ارزش‌های مذهبی و انسجام اجتماعی است.

وزارت آموزش و پرورش ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین جهت سیاست‌های آموزشی دارد که می‌تواند بر محتوای برنامه درسی، رویکردهای آموزشی و تخصیص منابع تأثیر بگذارد (صفوی، ۱۳۹۷، ص ۳۵). نفوذ این وزارتخانه به مدیریت مدرسه، جذب معلم و مدیریت کلی مؤسسات آموزشی گسترش می‌یابد و آن را به یکی از مهم‌ترین بازیگران در چشم‌انداز آموزشی ایران تبدیل می‌کند.

مؤسسات آموزشی در ایران طیف وسیعی از مؤسسات، از مدارس ابتدایی و راهنمایی گرفته تا مؤسسات آموزش عالی را در بر می‌گیرند. مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان بسترهای اولیه برای ارائه آموزش به دانش‌آموزان عمل می‌کنند. در ایران، مدارس ابتدایی و متوسطه معمولاً توسط وزارت آموزش و پرورش اداره می‌شوند، در حالی که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند (مهدی‌پور، ۱۳۹۸، ص ۹۲).

ساختار و حاکمیت این مؤسسات به طور قابل توجهی بر کیفیت و دسترسی به آموزش تأثیر می‌گذارد. مؤسسات آموزشی مسئول اجرای برنامه‌های درسی، استخدام معلمان واجد شرایط و ایجاد محیط یادگیری مساعد هستند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰، ص

۱۷۶). آنها بازیگران حیاتی در حصول اطمینان از اینکه دانش آموزان از آموزش جامع و با کیفیت بالایی برخوردار هستند، هستند.

معلمان و مربیان ستون فقرات نظام آموزشی ایران را تشکیل می‌دهند. آنها مسئول انتقال دانش و تقویت رشد فکری و شخصی دانش آموزان هستند. حرفه معلمی در ایران بسیار مورد توجه است، به طوری که مربیان اغلب برای رفع نیازهای منحصر به فرد دانش آموزان ایرانی آموزش و حمایت ویژه می‌گیرند (یوسفی، ۱۳۹۶، ص ۴۴). نفوذ معلمان فراتر از کلاس درس گسترش می‌یابد، زیرا آنها نقش مهمی در اجرای اصلاحات آموزشی و شکل دادن به تجربه آموزشی دارند.

در سال‌های اخیر، تأکید فزاینده‌ای بر توسعه حرفه‌ای و آموزش معلمان برای همگام شدن با شیوه‌های آموزشی در حال تکامل شده است (وزارت آموزش و پرورش ایران، ۲۰۲۲، ص ۵۷). نقش معلمان و مربیان در نظام آموزشی ایران برای حفظ و ارتقای کیفیت آموزشی حیاتی است.

والدین و خانواده نقش بسزایی در سیر تحصیلی دانش آموزان ایرانی دارند. ارزش‌ها و حمایت خانواده عمیقاً در فرهنگ ایرانی ریشه دوانده است و والدین به طور فعال در آموزش فرزندان خود مشارکت دارند (محمودی شهربابکی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲). آنها حمایت عاطفی، مالی و تحصیلی می‌کنند و انتظاراتشان برای موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان بالاست.

مشارکت والدین و خانواده‌ها در آموزش فرزندان‌شان تأثیر قابل توجهی بر انگیزه، پیشرفت و رفاه کلی دانش آموزان دارد. شناخت تأثیر این بازیگر کلیدی در نظام آموزشی ایران و همکاری با خانواده‌ها برای تضمین موفقیت دانش آموزان ضروری است.

سازمان‌های غیردولتی که اغلب بر جنبه‌های مختلف آموزش تمرکز می‌کنند، بازیگران فعال چشم‌انداز آموزشی ایران هستند. این سازمان‌ها ممکن است خدمات آموزشی تکمیلی، منابع، یا حمایت از مسائل آموزشی خاص ارائه دهند (میرزاده و اسماعیلی،

۲۰۱۸، ص ۶۷). نقش آنها در پرکردن خلأهای آموزشی و حمایت از دانش آموزان بی بضاعت در یک سیستم آموزشی متنوع بسیار مهم است.

سازمان های غیردولتی می توانند تلاش های وزارت آموزش و پرورش و سایر ارگان های دولتی را با رسیدگی به نیازهای آموزشی خاص و حمایت از اصلاحات تکمیل کنند. حضور آنها تنوع و نوآوری را به اکوسیستم آموزشی می افزاید و به رویکردی جامع تر به آموزش در ایران کمک می کند.

نظام آموزشی ایران منظری چندوجهی و در حال تحول است که بازیگران کلیدی مختلفی را در بر می گیرد که هر کدام در کیفیت و جهت گیری آموزش نقش دارند. وزارت آموزش و پرورش ایران، مؤسسات آموزشی، معلمان، والدین و سازمان های غیردولتی، همگی نقش های مشخصی در شکل دهی به تجربیات آموزشی دانش آموزان ایرانی دارند. شناخت این بازیگران کلیدی و تعاملات آنها برای پرداختن به چالش ها و فرصت های موجود در نظام آموزشی ایران حیاتی است. همکاری و هماهنگی بین این ذینفعان برای ادامه توسعه و موفقیت آموزش در ایران ضروری است.

### نابرابری های منطقه ای و پیامدهای آن

آموزش سنگ بنای توسعه اجتماعی و توانمندسازی فردی است. در ایران، چشم انداز آموزشی در طول سال ها به طور قابل توجهی تکامل یافته است، که نشان دهنده تعهد این کشور به ارائه آموزش در دسترس و عادلانه برای شهروندانش است. با این حال، نظام آموزشی در ایران با چالش هایی به ویژه در مورد نابرابری های منطقه ای مواجه است. این نابرابری ها پیامدهای عمیقی بر توسعه آموزشی، پیشرفت اقتصادی و انسجام اجتماعی کشور دارد.

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی کشوری وسیع و متنوع است. در نتیجه، نابرابری های منطقه ای در آموزش در طول سال ها ادامه داشته است. در استان های شمالی مانند تهران، گیلان و مازندران دسترسی به آموزش و امکانات آموزشی با کیفیت نسبتاً

بالاست. با این حال، در استان های جنوبی و شرقی، از جمله سیستان و بلوچستان و هرمزگان، فرصت های آموزشی محدود است که منجر به نابرابری های قابل توجهی می شود (فراهانی، ۱۳۹۸، ص ۴۵).

این نابرابری های منطقه ای را می توان به عوامل متعددی نسبت داد. اول، نابرابری های اقتصادی در سراسر استان ها به فرصت های آموزشی نابرابر کمک می کند. استان هایی که توسعه اقتصادی بالاتری دارند، تمایل بیشتری به سرمایه گذاری در آموزش و پرورش دارند که در نتیجه امکانات بهتر، معلمان با کیفیت بالاتر و برنامه های درسی بهبود یافته است (رستمی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۸). علاوه بر این، توسعه زیرساخت ها، مانند مدارس و حمل و نقل، اغلب در مناطق محروم وجود ندارد و مانع دسترسی به آموزش و پرورش می شود (حاجیالیاصغری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲).

پیامدهای نابرابری های منطقه ای در چشم انداز آموزشی ایران بسیار گسترده است. آنها نه تنها بر دسترسی فردی به آموزش با کیفیت تأثیر می گذارند، بلکه پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده تری نیز دارند.

تأثیر اقتصادی: نابرابری های آموزشی نابرابری های اقتصادی را در داخل کشور تداوم می بخشد. مناطق با استانداردهای آموزشی پایین تر برای جذب سرمایه گذاری و کسب و کار، رشد اقتصادی را محدود می کنند (علیمردانی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۳۲۱). در نتیجه، ساکنان این مناطق با کاهش فرصت های شغلی و پتانسیل درآمد مواجه هستند.

انسجام اجتماعی: دسترسی نابرابر به آموزش با کیفیت می تواند انسجام اجتماعی را مختل کرده و شکاف های موجود را تشدید کند. مناطق با فرصت های آموزشی محدود اغلب سطوح بالاتری از ناآرامی و نارضایتی اجتماعی را تجربه می کنند (مهدی زاده و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۳۴). این امر می تواند به اشکال مختلف مانند اعتراضات، مهاجرت به مراکز شهری و عدم تعادل منطقه ای در توسعه تجلی یابد.



پیامدهای سیاسی: نابرابری های منطقه ای در آموزش نیز می تواند پیامدهای سیاسی داشته باشد. مناطق محروم ممکن است احساس کنند که توسط دولت مرکزی مورد بی توجهی قرار گرفته اند که منجر به تنش ها و درگیری های سیاسی می شود (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۵۶). پرداختن به این نابرابری ها برای ثبات سیاسی و وحدت ملی بسیار مهم است.

با درک فوریت رسیدگی به نابرابری های آموزشی منطقه ای، دولت ایران در سال های اخیر ابتکارات متعددی را اجرا کرده است. یکی از برنامه های قابل توجه «طرح ملی تحول آموزش و پرورش» (NETP) است که در سال ۲۰۱۶ راه اندازی شد. هدف NETP ارتقای زیرساخت های آموزشی، بهبود کیفیت تدریس و کاهش نابرابری های بین مناطق است (وزارت آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۶، ص ۱۷). این طرح سرمایه گذاری قابل توجهی در مدارس و امکانات آموزشی در مناطق محروم داشته است.

علاوه بر این، دولت برنامه های تشویقی را برای جذب معلمان واجد شرایط به مناطق محروم ارائه کرده است. این برنامه ها مشوق ها و مزایای مالی را برای معلمان که در مناطق دورافتاده و محروم کار می کنند، ارائه می دهد (مولایی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۲۹).

در حالی که این ابتکارات نشان دهنده گام های مهم در جهت رسیدگی به نابرابری های منطقه ای است، چالش ها همچنان ادامه دارد. تضمین دسترسی برابر به آموزش با کیفیت همچنان یک کار پیچیده است و پیشرفت در کاهش شکاف در مناطق مختلف متفاوت است (عسگری و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۸۸).

علیرغم تلاش های دولت، چالش های متعددی مانع کاهش مؤثر نابرابری های منطقه ای در چشم انداز آموزشی ایران می شود. این چالش ها عبارتند از:

۱. بودجه محدود: تخصیص بودجه دولت برای آموزش و پرورش محدود است، که می تواند دامنه و اثربخشی ابتکارات را برای رسیدگی به نابرابری های منطقه ای محدود کند (خرازی، ۲۰۱۹، ص ۲۱۳).

۲. شکاف های زیرساختی: توزیع نابرابر زیرساخت ها و منابع آموزشی در سراسر مناطق چالش مهمی را ایجاد می کند (کشاورز، ۱۳۹۹، ص ۱۶۲). مناطق دور افتاده اغلب فاقد امکانات و فناوری لازم برای ارائه آموزش با کیفیت هستند.

۳. کیفیت معلمان: جذب و حفظ معلمان واجد شرایط در مناطق دورافتاده و محروم همچنان یک چالش است (محبی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۷۷). کیفیت تدریس عاملی حیاتی در ارتقای استانداردهای آموزشی است.

برای پرداختن به نابرابری های آموزشی منطقه ای به طور موثر، یک رویکرد چند وجهی مورد نیاز است. توصیه های زیر می تواند سیاست گذاران، مربیان و ذینفعان را در ایجاد چشم انداز آموزشی عادلانه تر در ایران راهنمایی کند:

۱. تخصیص عادلانه منابع: دولت باید توزیع عادلانه منابع و زیرساخت های آموزشی را با تخصیص اعتبار بر اساس نیازهای خاص مناطق در اولویت قرار دهد (غریبی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

۲. تربیت معلمان و مشوق ها: سرمایه گذاری در تربیت معلمان و برنامه های تشویقی باید ادامه و گسترش یابد تا مربیان با کیفیت در مناطق محروم جذب و حفظ شود (پاکزاد و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۴۰).

۳. نظارت و ارزیابی: اجرای سیستم های نظارت و ارزیابی قوی برای پیگیری پیشرفت در کاهش نابرابری های منطقه ای (حسینی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۷۲). این به شناسایی مناطقی که نیاز به توجه بیشتری دارند کمک می کند.

۴. مشارکت جامعه: تشویق مشارکت و مشارکت جامعه در فرآیند آموزشی برای ایجاد ظرفیت محلی و رسیدگی به چالش های منحصر به فرد منطقه ای (صالحی، ۲۰۲۱، ص ۲۱۳).

نابرابری های منطقه ای در چشم انداز آموزشی ایران پیامدهای مهمی برای توسعه و ثبات اقتصادی-اجتماعی کشور دارد. پرداختن به این نابرابری ها نه تنها یک موضوع عدالت آموزشی است، بلکه یک نیاز اساسی برای یک جامعه مرفه تر و هماهنگ تر است. در حالی که ابتکارات دولت در کاهش این نابرابری ها پیشرفت کرده است، چالش ها همچنان باقی است. ایران با پیروی از راهبردهای توصیه شده و تقویت همکاری بین ذینفعان مختلف، می تواند به یک سیستم آموزشی عادلانه تر و فراگیرتر نزدیک تر شود و آینده روشن تری را برای همه شهروندانش تضمین کند.

### تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی

آموزش و پرورش صرفاً محصول آموزش و برنامه درسی نیست. این به طور پیچیده ای با عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط است که نقشی اساسی در شکل دادن به سفر آموزشی یک فرد ایفا می کند. در ایران، مانند بسیاری از کشورها، عوامل اجتماعی-اقتصادی به طور قابل توجهی بر دسترسی و کیفیت آموزش تأثیر می گذارد. این عوامل طیفی از عناصر از جمله درآمد، شغل، سابقه خانوادگی و شرایط زندگی را در بر می گیرند و به طور جدایی ناپذیری با نتایج تحصیلی مرتبط هستند.

دسترسی به آموزش در ایران، مانند بسیاری از کشورها، عمیقاً تحت تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی است. یکی از مهم ترین جنبه های این تأثیر، توانایی مالی است. خانواده هایی که منابع مالی محدودی دارند اغلب برای تامین وسایل آموزشی لازم، حمایت و گاهی اوقات حتی وسایل حمل و نقل به مدارس برای فرزندان خود تلاش می کنند. این مانع مالی می تواند منجر به ناتوانی کودکان خانواده های کم درآمد برای

دسترسی به آموزش یا ترک تحصیل پیش از موعد شود (رحیمی و داوری، ۲۰۲۰، ص ۵۶).

نابرابری درآمدی یک موضوع مهم در ایران است و این نابرابری در دسترسی به آموزش منعکس شده است. خانواده‌های دارای درآمد بالاتر می‌توانند هزینه معلمان خصوصی، مواد آموزشی تکمیلی را بپردازند و فرزندان خود را به مدارس مجهزتر بفرستند و از این طریق به فرزندان خود در سفر تحصیلی خود امتیاز بدهند (پارساپور و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۷۶).

علاوه بر این، فرصت های شغلی و شغلی نقش حیاتی ایفا می کنند. فرزندان خانواده هایی که والدین آنها فاقد شغل ثابت هستند یا درگیر کار ناپایدار هستند، بیشتر از نظر دسترسی به آموزش تحت تأثیر قرار می گیرند. این کودکان اغلب نیاز به کمک به درآمد خانواده، کاهش زمان و انرژی آنها برای آموزش دارند (سهامی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۲۳).

عوامل اجتماعی-اقتصادی نیز بر کیفیت آموزش در ایران تأثیر بسزایی دارد. مدارس در مناطق اقتصادی-اجتماعی پایین اغلب از کمبود منابع، معلمان فاقد صلاحیت و برنامه های درسی قدیمی رنج می برند. این می تواند منجر به آموزش غیر استاندارد برای کودکان شود و چشم اندازهای آینده آنها را محدود کند (داوری و صالحی، ۱۳۹۶، ص ۸۹).

دانش‌آموزانی که از زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی محروم هستند ممکن است کمبود انگیزه، عزت نفس و اعتماد به نفس را تجربه کنند که مانع پیشرفت تحصیلی آنها می‌شود. این منجر به چرخه ای می شود که در آن عوامل اجتماعی-اقتصادی نه تنها بر کیفیت فعلی آموزش تأثیر می گذارد، بلکه نابرابری را در آینده نیز تداوم می بخشد (طهماسبی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲).